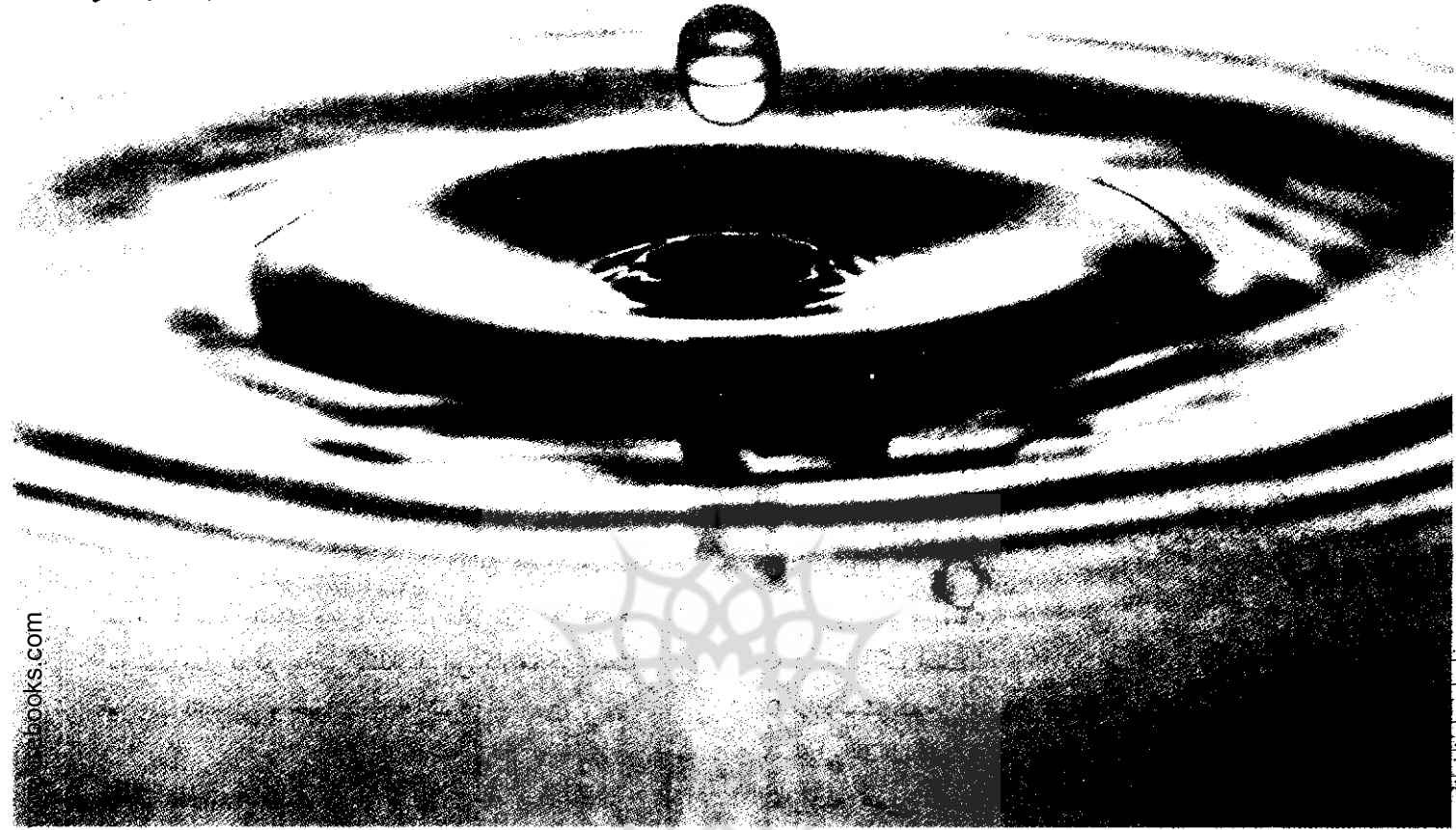


منبع: مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا
انتشارات کارگاه کودک



با حس تهاجم و خشونت در کودکان وجود دارد، چه ما بخواهیم و چه نخواهیم. بدین سبب نباید کودکان را مجبور کنیم که حس تهاجم خود را نادیده بگیرند. از طرف دیگر بروز همیشگی این نوع احساسات نه میسر است و نه امکان پذیر. راه های دیگری را باید یافت تا کودک بتواند آن را جانشین تهاجم کند.

من نمی دانم که شما با احساس تهاجم کودکان چگونه برخورد می کنید، ولی برای خودم جالب است که بدانم برای رویه رو شدن با کودکان خشن و عصبانی در مهد کودک یا حتی در خانه چه کارهایی باید انجام بدهم.

برای تعریف تهاجم به صورت جامع می توانیم بگوییم که هر نوع حرکت بیرونی تندی که کودک نسبت به دیگران انجام می دهد، تهاجم است. این تعریف چندان به نظر بد

با خشونت کودکان چه باید کرد

دنبال چیزهایی که از همه آسان تر است می گردند و هزاران قانون دارند: ندو! صدا در نیارا! بنشین! پاشو! صف ببندید! ساکت باش! با انگشت هایت نقاشی نکن! چرا این جوری ایستادی! برو! بیا! تمیز باش! تف نکن! نوبت را رعایت کن! وقت نیست! بگو معذرت می خواهم! و هزاران دستور دیگر از همین قبیل.

گاهی مربیان خیال می کنند کنترل کردن کودکان به این ترتیب، تنها راه چاره است، چون عده شاگردان زیاد است. یا با سرسختی معتقدند که هیچ راه دیگری به غیر از کنترل

نمی آید، زیرا شامل هر حرکتی است که کودک برای بیرون ریختن خودش انجام می دهد. بدین ترتیب حتی اظهار نظرهای تند کودکان نسبت به خودشان نیز به نوعی تهاجم است. ولی به نظر من تهاجم چیزی دقیق تر و با بار منفی بیش تری از تعریف لغوی آن است. من می خواهم درباره کودکانی صحبت کنم که وقتی از کلاس بیرون می روند، پشت سرشان هر آن چه را کودکان ساخته اند از بین می برند یا این که وسایل بازی کودکان را خراب می کنند، در کلاس ادای کودکان دیگر را در می آورند، خودشان را گرگ و هیولا

برای تعریف تهاجم به صورت جامع می توانیم بگوییم که هر نوع حرکت بیرونی تندی که کودک نسبت به دیگران انجام می دهد، تهاجم است.

کردن کودکان وجود ندارد. گاهی هم مربی می گوید که این نوع رفتارها همان چیزی است که پدر و مادرها از ما انتظار دارند و اگر سختگیری نکنیم کودکان را از مهدکودک مادر می آورند.

به نظر می رسد که دلیل اصلی چنین کارهایی بسیار عمیق تر است. من شک ندارم انسانی که یاد گرفته کودکان را با کنترل کردن ساکت نگه دارد حتماً خود در دوران کودکی چنین رفتارهایی را دیده است. او حتماً از بزرگ ترهای خود رفتارهای کنترلی را دیده و در او تأثیر گذاشته است. در بین ما این اصل برقرار است که اگر کسی از مقررات سرپیچی کند، حتماً باید تنبیه شود. بدین خاطر وقتی این همه مقررات و قانون های سخت و دست و پا گیر برای کودکان می گذاریم، طبیعی است که کودکان نتوانند همه این مقررات را رعایت کنند و بدین ترتیب در موارد مختلف از طرف ما بزرگ ترها تنبیه و مجازات می شوند.

حال فکرش را بکنید کودکی که از آغاز صبح در کلاسی

می کنند و به کودکان دیگر حمله ور می شوند، یا سر به سر بقیه هم کلاسی های خود می گذارند. در عین حال ما کودکانی را در کلاس ها می بینیم که کودکان دیگر را کتک می زنند، نقاشی های دوستان خود را خراب می کنند یا حتی خود را گاز می گیرند. من بیش تر از هر چیز مایل هستم که در مورد این دسته از کودکان صحبت کنم.

من به این نتیجه رسیده ام که برای مقابله با چنین کودکانی راه های بسیار خوبی وجود دارد. بعضی از کارهای ساده هم هست که می توان برای حل مقطعی خشونت ها و تهاجم های کودکان به کار گرفت.

در ارتباط با کودکان مهاجم معمولاً رفتارهای مربیان، پدران و مادران بسیار مهم است. به طوری که می توان خیلی جدی گفت که شیوه های رفتار ما مربیان و اولیا موجب خشونت های گوناگون در نزد کودکان می شود.

بعضی از مربیان می خواهند خیلی سخت همه چیز را کنترل کنند و بسیار قدرت طلب اند. این دسته از مربیان به

بمانند. با ادب شدن کودکان خوب است، اما به چه قیمتی؟ اما دسته سوم کودکانی اند که نه می توانند گوشه نشینی را انتخاب کنند و نه از تملق و چاپلوسی خوششان می آید. این دسته از کودکان در اثر کنترل های زیاد مربی سعی می کنند که رفتارهای جسورانه و خشن خود را به شیوه های مختلف نشان بدهند. این دسته از کودکان مبارزه با مقررات را ادامه می دهند.

نمونه متداول چنین خشونت هایی را می توان به درجات مختلف دید. مانند کودکی که نقاشی دوستان خود را خراب می کند، پر پرنده ها را می کند، گچ دیوار کلاس را می کند، دیوار را خط خطی می کند، موقع قصه خواندن آرام و قرار ندارد یا در فرصت های مختلف دوستان خود را آزار می دهد.

باشد که هزاران مقررات عجیب و غریب دارد و برای هر کاری از طرف مربی خود کنترل می شود، آن کلاس چگونه خواهد گذشت؟ باید فکر کرد که کنترل زیاد چه تأثیری بر رفتار کودک دارد و آیا واقعاً در او ایجاد نظم و ترتیب می کند؟ کودکانی که در این نوع کلاس ها حضور دارند معمولاً تبدیل به سه دسته کودک با رفتارهای مختلف می شوند. در یک حالت کودکان تبدیل به افرادی می شوند که بخش خلاق آن ها از بین می رود. گروهی از بچه ها از آن جا که توان مقابله با امر و نهی های مربی را ندارند گوشه نشینی را انتخاب می کنند و تبدیل به کودکان غیر خلاق و منفعل می شوند و فقط انرژی شان را صرف این می کنند که توسط مربی دیده نشوند و هر کاری را که از آن ها انتظار دارند انجام بدهند. به یاد بیاوریم کودکانی را که بودن یا نبودنشان در کلاس هیچ فرقی ندارد. کودکانی ساکت و بی تفاوت که بیش تر از هر چیز نشانه ای از کنترل زیاد ما مربیان اند.

در حالت دیگر کودکان تبدیل به افراد مثلاً با ادب می شوند و به نوعی به تملق و چاپلوسی روی می آورند. به یاد بیاوریم کودکانی را که مرتباً به دفاع از مربی، کودکان دیگر را ساکت می کنند یا برای خوش آمدن مربی چیزهایی می گویند: «بچه ها ساکت باشید خانم مربی سرش درد می کند!» «قربون خانم مربی خودم برم! دلم براتون تنگ شده بود!» این دسته از کودکان از آن جا که توان رودررو شدن با مربی را ندارند از راه های دیگری وارد می شوند. آن ها به نوعی از معلمان خود تعریف می کنند تا از گزند آن ها در امان



نمی‌داند که چرا کودکان این همه رفتارهای خشن نشان می‌دهند. غافل از این که مسئله و مشکل اصلی در رفتار خود ما مریبان است.

اما به غیر از مریبان سخت گیر گروه دیگری از مریبان نیز هستند که به خشونت کودکان دامن می‌زنند. این دسته از مریبان با رفتارهای بی‌ثبات خود تهاجم کودکان را بیش تر می‌کنند. این مریبان روی نظرها و حرف‌های خود ثبات ندارند و کودکان نیز به خوبی می‌فهمند که نظر او تغییر

در نمونه‌هایی نیز می‌توان کودکانی را دید که به خود آزاری روی می‌آورند و دست خود را گاز می‌گیرند یا موهای خود را می‌کنند. همه این‌ها نمونه‌هایی از خشم پنهان کودکان در برابر رفتارهای کنترلی ما مریبان است. به عبارت دیگر ما مریبان عامل همه خشونت‌ها و رفتارهای تهاجمی



کتابخانه امید ایران

می‌کند. بدین خاطر با حرکت‌های مختلف سعی می‌کنند تا نظر مریبی را نسبت به کاری که دوست دارند عوض کنند. این مریبان یک روز قانون می‌گذارند و روز دیگر فقط آه می‌کشند و کار خاصی انجام نمی‌دهند. این رفتارها کودکان را به طرف معامله کردن بر سر قدرت و به دست آوردن خواست‌های بی‌مورد خود سوق می‌دهد.

مریبانی را به یاد بیاورید که در ابتدا به کودکان می‌گویند وقت کارهای آموزشی است، اما با سر و صدا کردن و با جیغ زدن کودکان رأی خود را عوض می‌کنند و به آن‌ها اسباب‌بازی می‌دهند. هر مریبی و هر پدر و مادری باید بدانند زمانی به کودکان جواب نه بدهند که به راستی امکان آن وجود نداشته باشد. بدین ترتیب حتی اگر کودکان گریه کنند یا جیغ بزنند نظر آن‌ها نباید تغییر پیدا کند. اما کودکان در برابر اولیا یا مریبان بی‌ثبات سعی می‌کنند

کودکان هستیم.

وقتی ما شاهد چنین برخوردهایی می‌شویم فکر می‌کنیم که باید کودکان خاطی را مجازات و تنبیه کرد یا شدت کنترل را زیادتر نمود. پس سخت‌گیری‌های ما شروع می‌شود. در چنین کلاس‌هایی روزگار برای کودکان بسیار سخت می‌گذرد و بدون هیچ لذتی روزها را می‌گذرانند. خود مریبی نیز از شدت این همه کنترل احساس خستگی می‌کند و

دیگر آسیبی وارد نمایند. با وجود این ما معتقدیم که تهاجم مستقیم مانند پرتاب شیئی به طرف مردم، گاز گرفتن، هل دادن، گستاخی و سرپیچی کردن از قوانین معمولاً در محیط‌های پرورشی غیر

که هر بار بر شدت تهاجم و رفتارهای خشن خود بیفزایند تا مربی یا پدر و مادر خود را به انجام کار مورد نظر مجبور کنند. چقدر کودکانی را دیده‌ام که با حرف‌های زیر مربیان یا اولیای خود را تهدید می‌کنند: «اگر آن اسباب بازی را الان به

مربیانی که زیاد از حد کنترل می‌کنند (مستبدند) یا در کارشان بی‌ثبات‌اند، هر کدام به نوعی به رفتارهای تهاجمی کودکان دامن می‌زنند.

قابل قبول است. در ضمن چه بسا از نظر تئوری احساس کنیم که خفه کردن احساس عصبانیت و از بین بردن رفتارهای تهاجم آمیز نیز درست نیست. با این توضیحات می‌توانیم بگوییم که وقتی خشونت کودکان را می‌بینیم یعنی این که ما بیش از حد بر آن‌ها کنترل داریم یا این که رفتارمان نسبت به آن‌ها بی‌ثبات است. این دو مسئله بی‌شک در مقابله کردن با رفتارهای تهاجمی مؤثر است. حال اگر در این دو مورد زیاده روی نکنیم، به راحتی می‌توانیم رفتارمان را با کودکان مهاجم تنظیم کنیم.

من ندهی جیغ می‌کشم!» «اگر نگذاری من به حیاط بروم خودم را خیس می‌کنم!» بدین ترتیب مربیانی که زیاد از حد کنترل می‌کنند (مستبدند) یا در کارشان بی‌ثبات‌اند، هر کدام به نوعی به رفتارهای تهاجمی کودکان دامن می‌زنند. اما من امیدوارم که بیش‌تر مربیان در مهدکودک جزو هیچ‌کدام از این مربیان نباشند.

خشونت به عنوان یک رفتار طبیعی

واقعیت این است که کودکان باید در مهدکودک فرصت کنند تا احساسات خودشان را بیرون بریزند. چون ما نمی‌خواهیم که احساسات ناشی از عجز و خشم کودکان به صورت گلوله‌های مچاله شده در وجود آن‌ها پنهان بماند. یعنی ما باید به کودکان اجازه بدهیم که احساس خشم و ناراحتی خود را ابراز کنند، اما با این آگاهی که تکرار بی‌مورد این نوع رفتارها را نمی‌توان تحمل کرد. همگی ما معتقدیم که باید ویژگی مردانگی را در بین کودکان پسر تقویت کنیم و تفاوت‌های آنان را با خودمان به عنوان مربیان زن پرورش بدهیم. درعین حال این اعتقاد را داریم که کودکان باید آزادانه و بسیار زیاد به بازی‌هایی که عضلاتشان را تقویت می‌کند، بپردازند. ولی این اعتقاد را هم داریم که مردانگی و کارهایی که به عضلات مربوط می‌شود، با بدون هدف به این طرف و آن طرف پریدن، دیگران را ترساندن یا کتک زدن، خیلی فرق می‌کند. من بسیاری از مربیان را دیده‌ام که به کودکان اجازه می‌دهند تا ساخته‌های خود را خراب کنند، ولی اجازه ندارند به ساخته‌های کودکان



کنترل کردن اگر به له کردن کودک منجر نشود، بسیار لازم است و شکی نیست که گاهی کودکان را باید خیلی روشن و ساده از کاری که انجام می دهند و غیرقابل قبول است، بازداشت.

وقتی کودکی چیزی را باید از سیستم ذهنی خویش دور کند، یکی از راه‌ها این است که کارهای خطای کودکان را نادیده بگیرید و به روی خود نیاورید که کودک آن کار را انجام داده است، به ویژه زمانی که کودک حرکتی را انجام داده که نه به دیگران ضرر می‌رساند و نه برای خودش خطر دارد.

در عین حال بعضی وقت‌هایی ثباتی در برخی از اعمال کاملاً مورد تأیید است. برای مثال مریبی ممکن است در ساعت ۱۱/۵ خشونت کودکی را نادیده بگیرد. نباید انتظار داشت که کودکان بتوانند در این ساعات خودشان را خیلی خوب کنترل کنند.

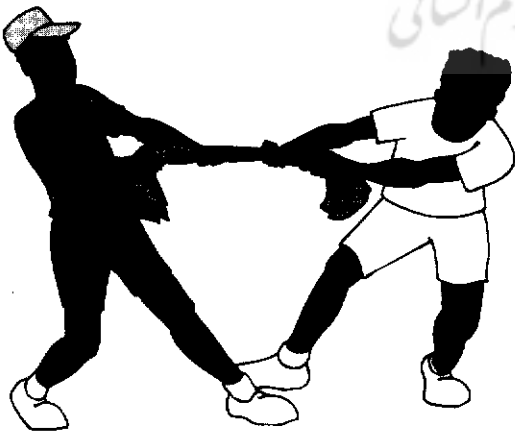
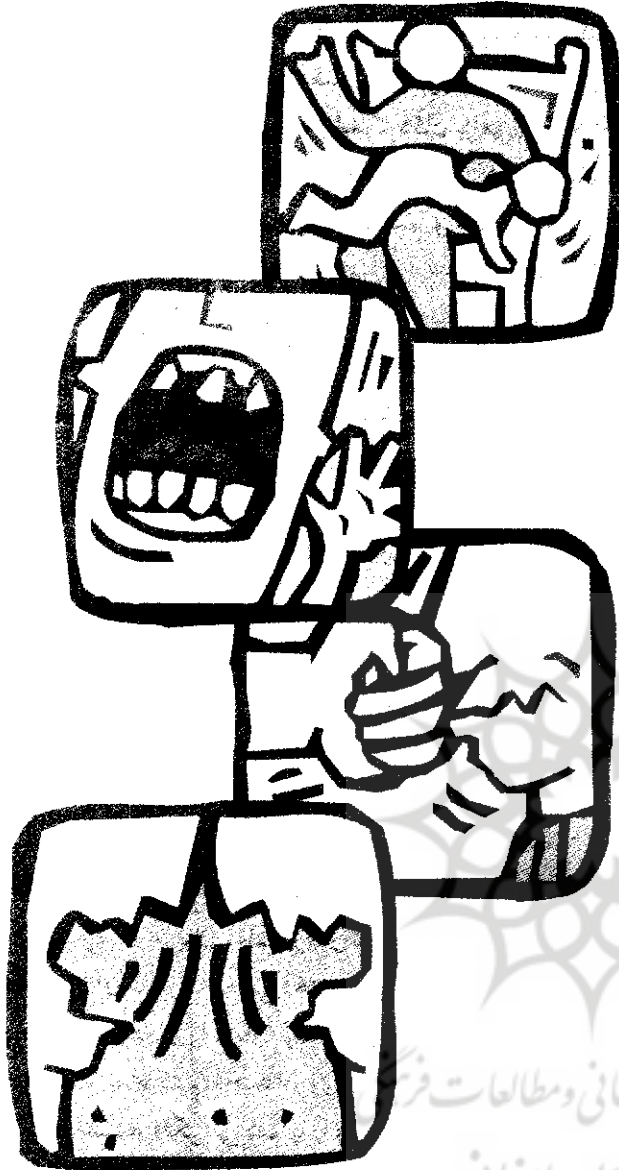
تصفیه کردن رفتارهای کودکان

تصفیه کردن رفتار کودکان بازیگوش یکی از بهترین روش‌هایی است که می‌توان به نوعی خشونت‌های کودکان را کم کرد. تصفیه کردن یعنی رفتارهای غیر قابل قبول کودکان را به رفتارهای قابل قبول تبدیل کنیم. این شیوه بسیار با ارزش است. چون هم از نظر عاطفی برای کودک تسکین دهنده و ارضا کننده است و هم برای اطرافیان خطری در بر ندارد.

باید به دقت فکر کرد و دریافت که پشت رفتار تهاجم آمیز کودک چه نکته یا چه مسئله‌ای قرار گرفته است. موارد زیر به نوعی جنبه‌های پنهان رفتار خشن کودکان را مطرح می‌کند:

۱- خودنمایی کردن

یکی از ویژگی‌های رشد کودکان پسر و دختر در سن چهارسالگی خودنمایی کردن است. بسیاری از کودکان در این سن دوست دارند که با سرپیچی کردن از مقررات یا فرمان‌ها خود را بشناسند و کشف کنند. این کار برای کودکان بسیار طبیعی است و در مواردی باید آن‌ها را رعایت کرد و کمک کرد تا از این مرحله به خوبی بگذرند.



۲- بی پروایی

بعضی از کودکان در همین محدوده سنی بسیار بی پروا می شوند. یعنی به چشم های پدر و مادر یا مربی خود نگاه می کنند و جواب آن ها را می دهند و کار مورد علاقه خود را انجام می دهند. این مورد نیز به رشد کودکان بر می گردد و تا آن جا که ممکن است نباید روحیه آن ها را در هم بشکنیم. این را هم بگویم که لازم نیست بنشینیم و تمام رفتارهای آن ها را نیز تحمل کنیم.

۳- بیماری

بسیاری از رفتارهای خشن کودکان به بیماری آن ها بر می گردد. یک ضربه مغزی، نارسایی های مغزی، ترشح هورمون های مختلف و... عوامل مهمی برای رفتارهای تهاجمی اند. بارها دیده شده است که پس از یک معاینه توسط پزشک متخصص و درمان دارویی بسیاری از این رفتارها از بین رفته است.

در عین حال فراموش نکنید که رفتارهای مستبدانه و بی ثبات ما نیز در خشونت های کودکان حتماً تأثیر گذار است.

خانواده و خشونت کودک

بسیاری از مریبان اغلب رفتار تهاجم آمیز کودکان را به خانواده آن ها ارتباط می دهند. خیلی ساده است که مسئولیت خودمان را درباره رفتارهای خشن کودکان با بیان چند جمله تمام کنیم: «حتماً امروز در خانه به او بسیار سخت گذشته است»، «فکر می کنم پدر و مادرش با هم اختلاف دارند»، «تقصیر پدرش است که این همه خشونت نشان

می دهد»، «این دفعه مادرش با او چه کار کرده است؟»

خلاصه این که بسیار ساده است تمام مسئولیتمان را بر دوش دیگران بیندازیم و خودمان را از همه چیز دور نگه داریم. اما بهتر است گاهی فکر کنیم که آیا ممکن است من نیز در این اتفاق نقشی داشته باشم؟ آیا ممکن است بی اطلاعی من از مسایل تربیتی موجب چنین رفتاری شده باشد؟ آیا ممکن است برنامه های کلاس او را به این سطح از خشونت رسانده باشد؟ آیا من نیز مسئول رفتار این کودک هستم؟ اگر قبول کنیم که ما نیز در رفتار کودکان دخیل هستیم، آن وقت می توانیم در موقعیت سختی که قرار گرفته ایم کاری کنیم. مریبانی که تمام مشکلات و مسایل خود را به خانواده کودک یا به سیستم مهد کودک از قبیل مدیر و کمک مربی نسبت می دهند، هیچ وقت نمی توانند مسایل خود را حل کنند.

لازم است که همواره کودک را و این که چگونه او می تواند با برنامه های کلاس هماهنگ شود، بررسی کرد. او چه ساعتی از روز خرابکاری می کند؟ چه کسی با او همدست است؟ چه شرایطی باعث حمله کردن او می شود؟ آیا مدتی که باید برای گوش دادن به داستان بنشیند طولانی است؟ آیا به خاطر این که صبح زود با شتاب از خانه بیرون آمده این قدر عصبانی است؟ آیا گرسنه است؟ آیا برنامه بیش تر مورد توجه دختران کلاس است؟ آیا چیزی کم داریم تا کودک را به کار جلب کنیم؟

خانواده ها نیز در درخانه باید سعی کنند که بیش از هر چیز علت خشونت کودکان را در رفتارهای خود جست و جو کنند. چرا که بعضی از پدر و مادرها نیز عادات دارند رفتار بد کودکان خود را به کودکان دیگر یا به سایر اعضای فامیل یا

**اگر قبول کنیم که ما نیز در رفتار کودکان
دخیل هستیم، آن وقت می توانیم
در موقعیت سختی که قرار گرفته ایم
کاری کنیم.**

موقعیت‌ها بهتر است زمان فراوانی برای انجام این کارها در نظر بگیرید و تا می‌توانید شرط و شروط را کم کنید. این پیش‌نهادها را می‌توان به کار بست:

۱- هر نوع فعالیتی که پاها را به کار بگیرد، ولی فشار یا دستوری در کار نباشد مانند:

پريدن بر روی یک تشک قدیمی که در حیاط یا در کلاس پهن است. تشک‌های فنری و قدیمی نیز برای این کار مناسب است. شاید یکی از والدین چنین تشکی را به مهد شما هدیه دهد. پريدن از روی چند جعبه نیز انرژی فراوانی را از کودکان می‌گیرد. در ضمن کاری است که شجاعت هم



حتی به وضعیت مهد کودک نسبت بدهند. اگر ما بتوانیم در هر قدم خودمان را مسئول رفتار کودک بدانیم و در عین حال سعی کنیم تا علت‌های آن را جویا شویم، به خوبی می‌توانیم این مشکلات را از سر راه خود و کودکان برداریم.

نگاه کنید و دلیل را بیابید

جز با تلاش مداوم برای یافتن این که چه مسئله‌ای موجب هیجان یا عصبانیت کودک شده است، هرگز نمی‌توانیم رفتارهای کودکان را درک کنیم. شاید بسیاری از رفتارهای تهاجمی کودکان وابسته به رشد است و به سادگی با گذشت زمان بهبود می‌یابد. شاید والدین کودک نیاز به راهنمایی دارند که چگونه به کودک خود کمک کنند تا آرامش بیشتری حس کند. شاید لازم باشد تا برنامه مهد کودک تغییر کند تا کودک کم‌تر احساس عجز و خستگی کند. فهمیدن این که چه چیزی باعث خشم بیش از حد کودک و رفتار نامناسب او می‌شود، کمک می‌کند تا بتوان آن عامل را برطرف کرد. اگر چه برنامه دراز مدتی است ولی یک قدم اساسی برای برطرف کردن مشکل کودک به حساب می‌آید.

اکنون ما تصور می‌کنیم که با مربی کوشا و خوش برخوردی روبه‌رو هستیم که سعی دارد به این دلایل پنهانی برسد:

یک صبح معمولی است. مربی در انتظار آمدن بچه‌هاست. کودکان با مقادیر متفاوتی از احساس تهاجم به کلاس می‌آیند و چه بسا در آن روز می‌خواهند بخشی از این احساسات را بیرون بریزند. البته می‌دانیم که کودکان حق دارند این گونه احساسات خود را نیز به شیوه درست بروز دهند.

این مربی برای تصفیه رفتارهای خشن کودکان چه کاری می‌تواند بکند؟ خوشبختانه تعداد زیادی از فعالیت‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود، ولی به خاطر بسپارید که این فعالیت‌ها جانشین آن چه کودک واقعاً می‌خواهد انجام بدهد، می‌شود. یعنی کودک می‌خواهد رفتار تهاجمی نشان بدهد، اما مربی سعی دارد که این رفتار غیر قابل قبول را تبدیل به رفتار قابل قبول کند. هر گاه بخواهید بدل چیزی را به کسی بدهید، لااقل باید درباره آن بدل دست و دلباز باشید و مقدار زیادی از آن را در اختیار کودکان قرار دهید. در این

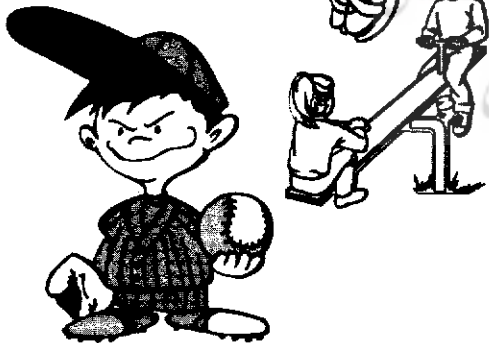
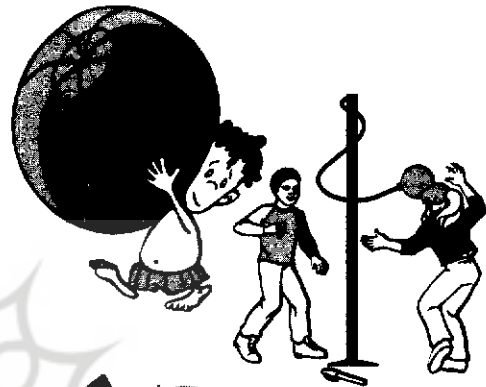
بیش تر باشد، بهتر است. اگر قرار باشد کودکان با دوسه کیسه بازی کنند، اصلاً برای آن‌ها جالب نخواهد بود. حداقل سی کیسه ماش درست کنید و در فرصت‌های مختلف در اختیار کودکان قرار دهید.

عروسک‌های پلاستیکی: تعدادی عروسک‌های پلاستیکی، بادی یا پارچه‌ای تهیه کنید و در اختیار کودکان بگذارید. کودکان می‌توانند هیجان‌های شدید خود را روی این عروسک‌ها پیاده کنند.

گل بازی: مقدار زیاد آن، وسیله خوبی برای رها کردن حس تهاجم است. خمیر آرد و خمیر مجسمه‌سازی نیز در همین راستا قرار می‌گیرد. در فرصت‌های مختلف انواع خمیر را در اختیار کودکان بگذارید تا با آن‌ها بازی کنند.

نقاشی با انگشتان و درست کردن لکه‌های رنگی برای کودکان خشن و تهاجمی بسیار جالب است. گاه بعضی از کودکان پاره کردن کاغذ یا مجاله کردن آن‌ها را دوست دارند. چون این کار به آن‌ها احساس راحتی

می‌خواهد. تاب خوردن به خاطر حرکت‌های متناوب آن و جدا شدن کودک از دیگر هم بازی‌ها بسیار مؤثر است. این فعالیت به آرام شدن کودک بسیار کمک می‌کند. هر گاه مری وقت داشته باشد چند بار تاب دادن کودک، محبتی را ایجاد می‌کند که به راحت شدن کودک کمک می‌کند. این کار می‌تواند سرآغاز دوستی مری با کودک باشد. از سرسره پایین آمدن برای تخلیه حس تهاجم کودکان



بسیار مهم است. این بازی باعث به کار گرفتن انرژی کودک می‌شود.

۲- فعالیت‌هایی که نیاز به حرکت‌های شدید دست دارد.
پرتاب کردن کیسه‌های ماش: کیسه‌های پارچه‌ای کوچکی تهیه کنید و در آن ماش، برنج یا ارزن بریزید. کیسه‌ها را در اختیار کودکان قرار دهید تا آن‌ها را به طرف چیزهای مختلف پرتاب کنند. در ابتدا باید مشخص شود که کودکان اجازه دارند کیسه‌های ماش را به طرف چه چیزهایی پرتاب کنند. این قانون را حتماً باید به کودکان متذکر شد.

یک دیوار، عکس یک حیوان و گاهی هم چهره‌هایی از انسان‌ها برای این کار جالب است. هر چه تعداد کیسه‌ها

و آسایش می‌دهد. مقدار زیادی کاغذ تهیه کنید، آن‌ها را به کودکان بدهید و به آن‌ها فرصت دهید تا با کاغذها هر کاری دوست دارند انجام بدهند.

۴- بازی‌های تقلیدی و نمایشی نیز سبب کم شدن تهاجم درونی می‌شود.

لباس بزرگ‌ترها را پوشیدن و نقش پدر، مادر یا اعضای خانواده را بازی کردن این امکان را به وجود می‌آورد که کودک موقعیت‌های ناراحت‌کننده را تمرین کند و از فشارهایی که بروی وارد می‌شود بکاهد. هر کسی که دیده باشد کودک چگونه عروسکی را بچه خود می‌داند، متوجه تأثیر بازی در رها شدن خشم می‌شود.

استفاده از خانه عروسک‌ها و عروسک‌های گوناگون نیز مفید است. کودکان فرصت پیدا می‌کنند تا خشونت‌های خود را که نسبت به دیگران دارند، روی این عروسک‌ها اعمال کنند. به آن‌ها اجازه بدهید که به هر گونه که دوست دارند این عروسک‌های کوچک را تنبیه یا مجازات کنند. در عین حال استفاده از عروسک‌های حیوانی را فراموش نکنید. حیوان‌هایی چون شیر، پلنگ، فیل و اسب آبی را جزو عروسک‌های کودکان بگذارید.

۳- رفع تهاجم از طریق رها کردن صدا

احساس آسوده شدن از حس تهاجم را که از طریق فریاد کشیدن به دست می‌آید، دست کم نگیرید. بهتر است به خاطر داشته باشید که صدا نوعی حالت مسری بودن برای همه گروه را دارد و چه بسا که همه را بیش از حد هیجان زده کند. گاهی لازم است به سر و صدا کردن بچه‌ها رضایت بدهید.

طبل‌ها بهترین وسیله برای سر و صدا درست کردن محسوب می‌شوند. کوبیدن به روی سطل و کاسه نیز خوب



است. برای کسانی که از این کار لذت می‌برند، می‌توان پخش موسیقی و اجرای حرکات موزون را نیز اضافه کرد. فریاد زدن، گریه کردن (چه از روی عصبانیت و چه از روی درد) از فشاری که کودکان احساس می‌کنند کم می‌کند و موجب آرامش می‌شود.

○ در کودکان ما هیچ کس اجازه بازی با تفنگ را ندارد. ما معتقدیم که کودکان می توانند بازی هایی بهتر از کشتن همدیگر انجام بدهند. هرگاه کسی هر نوع تفنگی با خود به کودکان بیاورد، ما آن را در گنجی ای

۵- بهترین و مؤثرترین چیزی که برای فرونشاندن خشم کودکان غیر قابل کنترل به عنوان بازی می شناسم، آب است. آب به هر شکل که باشد باعث آرامش اعصاب می شود.

سعی کنید کودکان را تشویق کنید با دیگران دوستی کنند. به خاطر بسپارید که گاهی بعضی از انسان ها نمی توانند با هم بسازند.

می گذاریم و هنگام رفتن به او بر می گردانیم.
○ مراقب شخصیت هایی باشید که با هم نمی سازند. هر وقت آن ها را با هم مشغول دیدید، جای شان را عوض کنید. نگذارید که برای غذا خوردن کنار هم بنشینند یا کنار هم بخوابند. سعی کنید که تشویق شان کنید با دیگران دوستی کنند. به خاطر بسپارید که گاهی بعضی از انسان ها نمی توانند با هم بسازند.
○ نقشه بکشید، برنامه ریزی کنید و باز هم بدانید که چه برنامه ای برای کودکان دارید که جالب باشد. هنگام برنامه ریزی، یک یک کودکان و علایق آنان را در نظر بگیرید. به طور حتم می دانید که برنامه نباید انتظار

شستن لباس های عروسک، اتومبیل های پلاستیکی، درست کردن حباب های صابون و انواع بازی با آب را می توان با کودکان اجرا کرد. هرگاه هوا را مساعد دیدید، بهترین کار این است که شلنگ آب را در اختیار کودکان قرار دهید یا بگذارید که آن ها با خاک و آب گل درست کنند. بازی با مجموعه آب و خاک معمولاً آرام ترین و بهترین روزهای مهد کودک را فراهم می کند.

۶- تف کردن را هم جدی بگیرید.

این شیوه (البته) به بعضی از کودکان عصبانی کمک می کند. به خصوص به آن دسته از کودکانی که از شدت عصبانیت نمی توانند حرف بزنند.

۷- و بالاخره گاهی برای کودکی که بیش از حد جنب و جوش دارد، فرستادن وی به دست شویی به طور محسوسی به آرامش کودک کمک می کند.

چند راه حل ساده:

این کارها موجب می شود تا بعد مجبور نشوید خشونت به خرج دهید یا کودکان را تنبیه کنید:
○ باید از قبل مراقب بعضی از بازی ها مانند: هیولای عصبانی، دزدبازی و جنگجوی قهرمان باشید. در این موقعیت ها بهتر است بازیکن اصلی را دنبال کاری دیگر که معمولاً برایش جالب است بفرستید.



زیادی از کودک و قدرت او داشته باشد. برای مثال پس از زمانی که قصه می خوانید یا پس از فعالیت های آرام بهتر است فعالیت هایی مانند تاب خوردن، بالا رفتن از

نحوی که بی ضرر باشد، به وجود بیاوریم. با انجام این کار از راه‌های منفی که ممکن است در کودک به وجود بیاید جلوگیری می‌کنیم و کمک می‌کنیم تا کودک شادمان‌تر، و آماده‌تر برای پذیرفتن زندگانی شود.

نردبان، بازی دو یا بازی در هوای آزاد را تدارک ببینید، چون آن‌ها برای مدتی آرام بوده‌اند. هم چنین هرگاه تصور می‌کنید که ساعت‌های صبح بیش از حد پر جنب و جوش است، بعضی از کارها را برای بعد از ظهر بگذارید. به عنوان یک اصل عمده، به طور مداوم امکاناتی را به وجود بیاورید که بچه‌ها هر کاری را که انجام می‌دهند ارتقا پیدا کنند و درجات بالاتری از رشد را ببینند. هر بار که کودکی کاری را به خوبی انجام می‌دهد، در رفع نیروی تهاجمی وی در راه مثبت و مؤثر صرف شده است. حالا این کار می‌خواهد ساختن ساختمان بالگو باشد، یا حرکتی در ارتباط با کمک به دیگران، کشیدن نقاشی یا تاب دادن دیگران.

○ هنگامی که به کودکان اجازه انتخاب بدهید، از مقدار مبارزه طلبی یا مخالف بودن آن‌ها می‌کاهید. چرا که کودک احساس می‌کند بر محیط خودش تسلط دارد.

به جای زدن، بهتر است حرف بزنیم

گاهی معلم می‌تواند یک لحظه حساس را دریابد و از بچه‌ای که قصد شیطنت دارد بپرسد: «خودت دوست داری که کسی دیگر همین کار را با تو بکند؟» جواب می‌شنوید: «نه». از او بخواهید که همین حرف را به طرف مقابل بزند و احساسش را بگوید. بعضی وقت‌ها هم کودکانی پیدا می‌شوند که به شما می‌گویند: «خیلی دوست دارم که دیگران هم مرا اذیت کنند.» فراموش نکنید که این نوع جواب کودک در حقیقت یک نوع لجبازی با شماست. به راستی هیچ کودکی دوست ندارد که از طرف دیگران مورد آزار و اذیت قرار بگیرد. در این حالت سعی کنید از شدت مخالفت یا مبارزه طلبی کودک کم کنید و سپس پرسش را برای او تکرار کنید.

در بسیاری از موقعیت‌ها حرف زدن بهتر از هر شیوه دیگری است. حرف زدن بهترین نوع بالارفتن از نردبان ارتباطات اجتماعی در محیط مهدکودک است. به طور خلاصه، ما معتقدیم که کودکان نباید احساس تهاجم را در خود نادیده بگیرند. ولی از طرف دیگر به خوبی آگاهی داریم که بروز دادن آن همیشه امکان‌پذیر نیست. ما مریان می‌توانیم در این باره بیندیشیم و از قبل موقعیت‌های متعددی برای تخلیه این گونه احساسات یا تصفیه را به

